

فولکلور و تاریخ کرد



تألیف اسماعیل شمس



نشر مجمع ذخائر اسلامی با همکاری مؤسسه تاریخ علم و فرهنگ
به مناسبت اولین همایش بین المللی میراث مشترک ایران و عراق
اسفند ۱۳۹۳ ش / مارس ۲۰۱۵ م



دیرخاڑا اولین همایش بین المللی میراث مشترک ایران و عراق
ایران قم



فولکلور و تاریخ کرد

اسماعیل شمس

نشر مجمع ذخائر اسلامی با همکاری مؤسسه تاریخ علم و فرهنگ
به مناسبت اولین همایش بین المللی میراث مشترک ایران و عراق
اسفند ۱۳۹۳ ش / مارس ۲۰۱۵ م



سرشناسه

عنوان و نام پدیدآور

مشخصات نشر

مشخصات ظاهری

شابک

وضعیت فهرست نویسی

یادداشت

شناسه افزوده

شناسه افزوده

شماره کتابشناسی ملی

شمس، اسماعیل، ۱۳۵۴ -

فولکلور و تاریخ کرد

قم: مجمع ذخائر اسلامی: موسسه تاریخ علم و فرهنگ، ۱۳۹۳.

۲۸۲ص،، جدول.

۹۷۸-۹۶۴-۹۸۸-۸۰۳-۳

فیهای مختصر

این مدرک در آدرس <http://opac.nlai.ir> قابل دسترسی است.

مجمع ذخائر اسلامی

موسسه تاریخ علم و فرهنگ

۳۷۶۵۷۴۷

کلیه حقوق این اثر تحت قانون کپی رایت بوده و ترجمه یا چاپ تمام یا بخشی از مطالب آن و نیز درج تمام یا بخشی از آنها در ضمن بانکهای اطلاعاتی و تهیه برنامه‌های رایانه‌ای یا استفاده مطالب و تصاویر در اینترنت و دیگر ابزار و ادوات، به هر نحوی، بدون اجازه قبلی ناشر بصورت کتبی، ممنوع می‌باشد.

©MAJMA AL-DAKAAIR AL-ISLAMYYAH, 2015

All rights reserved, No part of this book may be reproduced or translated in any form, by print, internet, photo print, microfilm, CDs or any other means without written permission from the publisher



نشر مجمع ذخائر اسلامی
باهمکاری مؤسسه تاریخ علم و فرهنگ

فولکلور و تاریخ کرد
اسماعیل شمس

چاپ: ظهور / صحافی: نفیس
نشر: مجمع ذخائر اسلامی - قم
نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۳ ش (۲۰۱۵ م)
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۹۸۸-۸۰۳-۳

ارتباط با ناشر
قم: خیابان طالقانی (آذر) - کوی ۲۳ - پلاک ۱ - مجمع ذخائر اسلامی
تلفن: ۰۹۱۲ ۲۵۲ ۴۳۳۵ همراه: ۰۹۸ ۲۵۳ ۷۷۰ ۱۱۱۹ دورنگار: ۰۹۸ ۲۵۳ ۷۷۱۳ ۷۴۰

نشانی پایگاههای اینترنتی:

www.zakhair.net

info@zakhair.net

www.mzi.ir

info@mzi.ir

قیمت: ۳۸.۰۰۰ تومان / ۴۵ دلار

فهرست مطالب

۱۱	پیش گفتار
۱۵	فصل اول: تاریخ‌نگاری کردی
۱۸	۱. تاریخ
۱۹	۲. فلسفه تاریخ («Philosophy of history»)
۱۹	۳. تاریخ‌نگاری (historiography)
۲۴	۱. کردی به مثابه زبان
۲۵	۲. کُرد در معنای مدرن قوم یا ملت
۲۵	۳. کُردی در مفهوم تاریخ‌نگاران کُردتبار
۲۶	۴. کُرد به معنای چارچوب جغرافیایی کردستان یا همه نواحی کردنشین
۲۷	۵. کُردی به معنای مردم کُرد
۳۳	کتابشناسی:
۳۷	فصل دوم: روایات شفاهی و مطالعات محلی و میدانی
۴۰	۱. جغرافیا:
۴۲	۲. فرهنگ عامه:
۴۴	۳- زبان‌شناسی و ادبیات:
۴۵	۴- علوم
۴۶	۵. آثار باستانی و قدیمی:
۴۷	۶. هنر و صنایع:
۴۹	فصل سوم: شرحی فولکلوریک بر لغات و اصطلاحات کردی
۸۹	فصل چهارم: جامعه کردی
۹۳	پیشینه تاریخی
۹۷	اقتصاد روستا
۱۰۸	سازمان طایفه‌ای
۱۱۱	فرهنگ عامه

ازدواج.....	۱۱۱
زاد و ولد.....	۱۱۵
جشن‌ها.....	۱۱۹
جشن نوروز.....	۱۱۹
جشن رمضان.....	۱۲۰
جشن قربان.....	۱۲۱
جشن ولادت پیامبر (ص) [مولود].....	۱۲۱
مراسم شب برات.....	۱۲۱
مراسم شب معراج.....	۱۲۲
سوگواری‌ها.....	۱۲۲
تفریحات و بازی‌های محلی.....	۱۲۵
قهوه‌خانه‌ها.....	۱۲۶
گرمايه‌ها.....	۱۲۷
اماكن مقدس.....	۱۲۷
سوگندهای محلی.....	۱۲۹
برخی باورهای عامیانه.....	۱۲۹
کتابشناسی:.....	۱۳۰
جهان‌نگو.....	۱۳۱
کتابشناسی:.....	۱۳۸
خابور.....	۱۴۰
کتابشناسی:.....	۱۴۶
فصل پنجم: ادبیات شفاهی کرد.....	۱۴۹
بیت کردی.....	۱۵۱
مشخصات بیت.....	۱۵۳
بازسازی تاریخ و فرهنگ در بیت‌های کردی.....	۱۶۲
کتاب شناسی:.....	۱۶۶

۱۶۹.....	۲-مم و زین
۲۱۳.....	کتابشناسی:
۲۱۴.....	۳-بالوره
۲۱۵.....	بالوره در مفهوم ترانه و آهنگ عزا
۲۱۷.....	ویژگی های بالوره
۲۱۹.....	محتوای بالورها ها
۲۲۱.....	مراحل و فرایند بالوره خوانی
۲۲۷.....	بالوره به عنوان آهنگ و آواز شاد
۲۲۹.....	کتابشناسی:
۲۳۰.....	۴-ترانه های کردی (۱)
۲۳۳.....	کتابشناسی:
۲۳۴.....	۵-ترانه های کردی (۲)
۲۳۶.....	کتابشناسی:
۲۳۷.....	۶-شاهنامه های کردی
۲۴۹.....	کتابشناسی:
۲۵۰.....	۷-قصه های عامیانه کردی
۲۵۱.....	افسانه های کردان
۲۵۷.....	تحلیل محتوایی داستان های کتاب افسانه های کردان
۲۶۰.....	افسانه ها و بازسازی تاریخ و فرهنگ کرد
۲۶۳.....	کتابشناسی:
۲۶۳.....	افسانه های کُردی
۲۶۴.....	تقسیم بندی افسانه های کردی
۲۶۷.....	مشخصات افسانه ها
۲۶۸.....	محتوای افسانه ها
۲۷۱.....	تاریخ و فرهنگ کرد در کتاب افسانه های کردی
۲۷۶.....	کتابشناسی:

۲۷۷.....	افسانه هورامان
۲۸۶.....	کتابخناسی:
۲۸۷.....	فصل ششم: آیین های سنتی و بومی
۲۹۰.....	شیوه ساخت عروس باران:
۲۹۱.....	نحوه اجرای آیین بوکه بارانه
۲۹۳.....	هَـشِلِی مِشِلِی [مطلع ترانه]
۳۰۲.....	جلوه‌های اساطیر باستانی ایران در آیین بوکه بارانه (تحلیل محتوا):
۳۰۲.....	۱. آناهیتا و بوکه بارانه
۳۰۳.....	۲. بوکه بارانه و تیشتر (تشر):
۳۰۵.....	۳. بوکه بارانه و ایزد مهر:
۳۰۸.....	کتابخناسی:
۳۱۱.....	فصل هفتم: زیارتگاه ها و اماکن مقدس
۳۱۵.....	مراحل اجرای مراسم عروسی پیر شالیار
۳۱۹.....	کتابخناسی:
۳۲۱.....	فصل هشتم: جشن های فصلی مناطق کردنشین (۱)
۳۳۰.....	کتابخناسی:
۳۳۱.....	جشن های فصلی مناطق کردنشین (۲)
۳۳۲.....	۱- جشن سمنویزان (سمنی)
۳۳۲.....	۲- جشن «شایی بالندان» [شادی پرندگان]
۳۳۲.....	۳- جشن «گیا دروان» یا درو کردن علف
۳۳۲.....	۴- جشن گیلاخه
۳۳۳.....	۵- جشن «بانه مهر» [اردیبهشت]
۳۳۳.....	۶- جشن روغن کرچک
۳۳۴.....	۷- جشن «خرمانان» [خرمن ها]
۳۳۶.....	۸- جشن «برینگ برینه وه» یا جشن چیدن پشم گوسفند
۳۳۶.....	۹- جشن نمک دادن به بزها و گوسفندان

- ۱۰- جشن تیرگان ۳۳۷
- ۱۱- جشن جوړو ۳۳۷
- ۱۲- جشن آب نو ۳۳۷
- ۱۳- جشن «گِل هینان و قورشیلان» (جشن تهیه گِل و گِل بازی) ۳۳۸
- ۱۴- جشن «کاور و کوران» ۳۳۸
- ۱۵- جشن کردی (عید الکردی) ۳۳۹
- ۱۶- جشن «بران تی بردان» (رها کردن گوسفند نر در میان ماده‌ها) ۳۴۰
- ۱۷- جشن «هوارنمان» (کوچ از بیلاق) ۳۴۱
- ۱۸- جشن ترخینه ۳۴۱
- ۱۹- جشن شایانه یا «شاهیهانه شاه» ۳۴۱
- ۲۰- جشن شب چله (یلدا) ۳۴۲
- ۲۱- جشن خضر زنده ۳۴۴
- ۲۲- جشن دیوه‌زناو ۳۴۶
- ۲۳- جشن صده پز (سده پز) ۳۴۷
- ۲۴- جشن درامزنان (درگاه بزرگان) ۳۴۷
- ۲۵- کور و کاژان (کالان) ۳۴۷
- کتابشناسی: ۳۴۸
- فصل نهم: آداب و رسوم ۳۵۱
- آداب و رسوم کُزدان ۳۵۳
- کتابشناسی: ۳۶۳
- واژه چهارشنبه سوری ۳۶۴
- آیینهای چهارشنبه سوری ۳۶۶
- ۱- روشن کردن آتش: ۳۶۶
- ۲- رفتن به دشت و صحرا ۳۷۲
- ۳- رفتن به دباغخانه ۳۷۴
- ۴- فال گوش ایستادن ۳۷۵

۳۷۷.....	۵- شال اندازی
۳۷۷.....	۶- قاشق زنی
۳۷۸.....	۷- سفال شکنی
۳۷۹.....	۸- تخم مرغ شکنی
۳۷۹.....	۹- سایر رسوم
۳۸۱.....	کتابخشناسی:

پیش گفتار

پرسش محوری این کتاب نسبت تاریخ کرد با فولکلور کردی و سنتهای شفاهی کردستان است. این نکته روشن است که فرهنگ کتابت در جامعه کردی بسیار دیرنگام آغاز شد و آن گروه از نویسندگان کردتبار که دست به قلم می بردند به زبانهای عربی و فارسی می نوشتند و دغدغه ثبت تاریخ زادگاهشان را نداشتند. تقریباً تا پیش از شرفنامه کتابی درباره تاریخ کردستان نوشته نشده و به همین سبب نمی توان تصویر روشنی از تاریخ و فرهنگ مردمان کرد ارائه داد.

این که علت چنین وضعیتی چه بود و چرا کردها تاریخ خود را ننوشته اند، و آنگاه که تاریخی نوشته اند به زبان خودشان نبوده از مهم ترین سؤالات بی جواب در تاریخ و فرهنگ کرد است. پژوهشگر حق دارد بپرسد که چرا در مقاطع مختلف تاریخی و حتی این اواخر که یک حاکم سیاسی یا فرمانده نظامی با رؤسای کرد جنگیده، دهها کتاب و رساله درباره این جنگ نوشته، ولی کردها حتی یک سطر هم در باره جنگی که خود درگیر آن بوده اند، ننوشته اند؟ باید گفت توجیهاتی که از سوی برخی نویسندگان کرد مبنی بر نابودی میراث مکتوب توسط دشمنان آورده شده، هرگز نمی تواند قانع کننده باشد. این درست است که بسیاری از نسخه های خطی در گذر ایام از بین رفته اند ولی این وضعیت، خاص کردها نبوده و بسیاری ملل هم آثار مکتوبشان را از دست داده اند. نکته دیگر این است که منظور از کتابت صرفاً نوشتن با کاغذ نیست بلکه نگارش بر روی سنگ، گل نوشته، کتیبه و ... را در برمی گیرد... چند هزار سال پیش آشوریان در غرب و اورارتوها در شمال اقلیم کردستان کنونی حکایت خود را بر روی الواح نوشتند و داریوش داستان حکومت خود را بر روی صخره

بیستون در منطقه کردنشین کرمانشاه نگاشت. آیا در طول این تاریخ چند هزار ساله، یک کرد پیدا نشد که داستان خود و اجداد و تبارش را به زبان مادری و همانند آشوریان و هخامنشیان و دیگر ملل دنیا روی لوحه ای یا صخره ای بنگارد که در طول زمان از بین نرود؟ برای پژوهشگر کرد کشف علت چنین پدیده ای همواره در صدر سؤالات خواهد بود. با وجود اهمیت این سوال، دغدغه نویسنده در کتاب، پاسخ تفصیلی به آن نیست، بلکه هدف طرح این پرسش است که در فقدان یک سنت مکتوب تاریخننگاری در گذشته مردم کرد، چه باید کرد؟ چگونه و به چه شیوه ای باید تاریخ کرد را بازسازی و بازنویسی کرد؟ به باور نویسنده یکی از نخستین کارها برای تحقق این هدف، ضبط و ثبت سنتهای شفاهی جامعه کردی است که از هر جهت بسیار غنی است. کمتر مردمی در خاورمیانه را می توان یافت که همانند مردم کرد فرهنگ شفاهی غنی داشته باشد. از نظر جغرافیایی این مردمان در ایران غربی و بین النهرین شمالی و مرکزی یعنی ناحیه ای زندگی می کردند که بیشتر مهاجمان شرقی و غربی آرزوی تسلط بر آن را داشتند. آنچه که بعدها در تاریخ، کردستان نامیده شد در حد فاصل رشته جبال زاگرس تا کوههای حمربین و آرات بود و رودهای پر آب دجله، فرات، سفیدرود، زربینه رود، سیمینه رود، دیاله و ... که از این کوهها سرچشمه می گرفتند در کوهپایه ها و دشتهای حاصلخیز سرازیر می شدند و جغرافیای مناسبی را برای کشاورزی، باغداری و دامداری فراهم می کردند. شواهد تاریخی نشان می دهد که سیاق معیشت مردم کرد بر این سه شیوه منطبق بود. در کمتر جایی از تاریخ می توان رد پای از تهاجمهای تاریخی توسط کردان، نظیر آنچه که اعراب، ترکان سلجوقی و تیموری و ... انجام دادند، دید. زیرا کردها آنچه را که دیگران به دنبال آن بودند یعنی آب، خاک حاصلخیز و باغ و ... داشتند و بر خوان نعمت و ثروت نشسته بودند. در طول تاریخ، مناطق کردنشین همواره معبر یا مقصد مهاجمان شرق و غرب بوده که به قصد تسلط بر این کانون ثروت، سوار بر اسب و اسلحه به دوش، دیار خود را ترک کردند. از آشوریان و جهانگشایان باستان تا اسکندر و رومیان و همه آنهايي که از غرب راهی شرق شدند تا ترکان و مغولان و تاتاران که از ترکستان و مغولستان و

تاتارستان در شرق به غرب لشکر کشیدند ، یا از مناطق کردنشین گذشتند و غارت و نابود کردند و یا در آنها مستقر شده و جای بومیان را گرفتند و صاحبان اصلی این سرزمین را به مناطق دوردست کوچاندند. گذشته از آن بخشی از مناطق کردنشین در مسیر شاهراه تجاری جهان یعنی جاده ابریشم بود. از همدان تا چند صد کیلومتر مانده به بغداد همه مناطق سر این راه ، کردنشین بودند و هر کس که از شرق به غرب می رفت و بر عکس ، باید از آنجا می گذشت. فرهنگ شفاهی کرد این فضای تاریخی و جغرافیایی را به خوبی شرح داده و سرشار از وصف زندگی کردان از یک سو و دفاع آنان از خاک و سرزمینشان در برابر مهاجمان از سوی دیگر است. حیفم می آید که در همین ابتدا پاسخی حدس گونه و فرضیه مآب به پرسشی که ابتدا در باره چرایی فقدان فرهنگ مکتوب در میان کردها طرح کردم ، ندهم .. بیشتر کتیبه ها و کتابهای نوشته شده در قدیم از زمان آشوریان تا ادوار بعدی یا شرح لشکرکشی های جهانگشایان به نواحی دیگر و مشروعیت بخشیدن به اقدامات بعدی آنان (اثبات خود و نفی دیگری) است و یا متون سیاسی و اقتصادی دولت و دیوان است. وقتی در طول تاریخ حتی یک جهانگشای کردتبار دیده نمی شود که سرزمینی دیگر را تصرف کرده باشد به شکل طبیعی کتیبه سازی و کتاب سازی در وصف آن موضوعیت نداشته است . گذشته از آن کردها در درون جغرافیای خودشان دارای دولت و دیوان نبوده و مشغول دامداری ، کشاورزی و باغداری یا دفاع مداوم از خاک خود در برابر مهاجمان بودند و این سیاق معیشت لا اقل در درون جامعه خودشان ، نیاز به اثبات و نفی و ضرورت یا فرصت نوشتن را به آنان القا نمی کرد. زیرا آن گروه از کردها که از این سیاق معیشت جدا شده و برای کسب قدرت یا در جستجوی علم راهی شهرها و مراکز علمی و سیاسی می شدند ، حداقل در عصر اسلامی ، به حاکمان و دیوانیان یا مفسران ، محدثان ، فیلسوفان و دانشمندان برجسته ای تبدیل شدند که البته به رسم زمان و ضرورت مکان به عربی و فارسی می نوشتند. چنانکه گفته شد این پاسخ مختصر تنها یک حدس و گمان است و تفصیل و تأیید یا نفی آن نیازمند انجام پژوهش دقیق و گسترده ای است. آنچه که فعلا در این کتاب ارائه می شود ، راهکارها و شیوه

نامه هایی است که به کمک آنها می توان فرهنگ شفاهی کرد را به شکلی موسع جمع آوری کرد. علاوه بر آن در فصلهای مختلف کتاب ، نشان داده شده که چگونه می توان به کمک بیتها یا بالوره ها و... به بازسازی تاریخ کرد پرداخت. همچنین بیشتر این نوشته ها نزدیکی فرهنگی مردم کرد را با تاریخ و تمدن آریایی و ایرانی نشان می دهند. نویسنده امیدوار است این کتاب ، بتواند پژوهشگران کرد را تشویق نماید که به این مهم همت کنند و اجازه ندهند سنتهای شفاهی و به تبع آن تاریخ کهن سرزمینشان فراموش شود.

فصل اول: تاریخ‌نگاری کردی

پرسش محوری مقاله این است که تاریخنگاری کردی (Kurdish Historiography) چیست؟ این پرسش همزمان، به وجوه آنتولوژیک (هستی شناسانه)، ایپستمولوژیک (معرفت شناسانه) و متدولوژیک (روش شناسانه) تاریخنگاری کردی می‌پردازد. اما پیش از پاسخ به این پرسش، باید برخی اصطلاحات و مفهومی‌های پایه‌ای و بنیادین را تعریف، تبیین و تحدید کرد و مرزهای تمایز آنها را از یکدیگر نشان داد. این تأکید بر تعریف واضح مفاهیم و تحدید حدود و ثغور آنها از آن جهت است که در جامعه علمی و فرهنگی کرد، طرح موضوع تاریخ، الزاماً توسط متخصصان این عرصه و آکادمیسین‌های تاریخی صورت نگرفته و به سبب ورود افراد غیرمتخصص، گاه تداخل در تعاریف و مفاهیم پیش آمده و سبب خلط مصادیق و ایجاد ابهام و ابهام‌تئوریک شده است. چنین ابهام‌هایی باعث شده که خلاء فقدان مقاله‌ای در تاریخنگاری کردی تقریباً محسوس باشد و شمار مقالات و نوشته‌هایی که با این عنوان در پژوهش‌های مکتوب و دنیای مجازی وجود دارد، به عدد انگشتان دست هم نرسد، بیشترین کاری هم که در این نوشته‌ها، تحت عنوان تاریخنگاری کردی انجام شده، بررسی زندگی مؤلفان منابع اصلی تاریخ کرد، معرفی محتوای اثر آنان و ویژگیهای نثری و ادبی کتاب است. از این جهت این نوشته‌ها بیشتر در قالب کتاب‌شناسی (Bibliography) منابع تاریخی کرد و نقد و بررسی منابع قرار می‌گیرند و ارتباط چندانی با تاریخنگاری کردی ندارند. پاره‌ای مورخان بر این باورند که آموختن روش تاریخنگاری باعث جدا شدن کار مورخ حرفه‌ای از غیرحرفه‌ای می‌شود^۱ امید است که نگارش این مقاله باعث تحقق چنین هدفی شود. مهم‌ترین اصطلاحاتی که باید پیش از ورود به بحث معنا شوند عبارتند از:

۱. تاریخ

تاریخ ترجمه واژه یونانی «historia» به معنای دانش، گزارش، روایت و تاریخ رویدادها بود. این واژه یونانی از راه زبان لاتین و به همه زبانهای اروپایی وارد شد. تاریخ را به فرانسوی، «histoire»، به ایتالیایی «storia»، به انگلیسی «history» و در آلمانی «historie» می‌گویند.^۱

درباره ریشه عربی یا غیرعربی واژه تاریخ اتفاق نظر وجود ندارد. ظاهراً تاریخ واژه‌ای مغرب (عربی شده) است و از واژه یَرَکْ (yerakh) عبری وارد عربی شده است.^۲

در زبان کردی واژه «میژ» یا «میژو» را به جای تاریخ به کار می‌برند که در فرهنگهای لغت کردی سورانی و کرمانجی همزمان به معنای دور و کهن و قصه و حکایت به کار رفته است.^۳ البته واژه میژو قدمت چندانی ندارد. زیرا در ترجمه کردی شرفنامه بدلیسی توسط ملا محمود بایزیدی (۱۲۱۲-۱۲۸۴ ق/ ۱۷۹۷-۱۸۶۷ م) که یکی از نخستین نوشته‌های تاریخی به زبان کردی است واژه تاریخ به کار رفته و اشاره‌ای به میژو نشده است.^۴

از نظر معناشناسی اصطلاحی، تا کنون برای چیستی تعریف تاریخ، پاسخ جامع و مورد اتفاقی وجود نداشته است.^۵ اما عموماً تاریخ را دانشی دانسته‌اند که از انسان در زمان و مکان سخن می‌گوید.^۶ اما این تعریف همواره دو وجه داشته است. یکی تاریخ به مثابه رویداد و دیگری تاریخ به مثابه گزارش رویداد. از این نظر، کلمه واحد تاریخ، هم برای رشته به هم پیوسته‌ای از رویدادهایی که از گذشته‌های دور تاکنون در جهان رخ داده‌اند، به کار رفته و هم برای اندیشه‌ها و تبیین‌های مورخان که آن رخدادها را برای آیندگان ثبت کرده‌اند. برخی پژوهشگران برای نشان دادن این دو وجهی از اصطلاح «تاریخ ۱» و «تاریخ ۲» سخن

۱. احمدی، ۲.

۲. همان، ۴؛ سجادی و عالم‌زاده، ۵-۶.

۳. نک: فرهنگ کردی - فارسی هزار، فرهنگ مردوخ و فره‌نگا مه رگ‌وژی ذیل میژ و میژوو.

۴. نک: شه‌رفنامه.

۵. حضرتی، ۵۲-۵۳.

۶. حضرتی و برومند، ۲۷.

گفته‌اند.^۱

به نظر می‌رسد تاریخ به صورت همزمان دارای دو ساحت هستی‌شناختی (ontologic) و معرفت‌شناختی (epistemologic) است. ساحت اول، مستقل از ذهن آدمی و در عالم واقع است. این ساحت، «تاریخ» (history) نامیده می‌شود. اما ساحت دوم، علم تاریخ (science of history) نامیده می‌شود. حقیقت آن است که مورخ نمی‌تواند از موقعیت زمانی و مکانی خود خارج شده و فراتر از جهان و زمان به واقعیت نگاه کند. او محصور در زمان و مکان و جهان پیرامون خود است و هنگامی که واقعیت تاریخی وارد ذهن او شده و از صافی تأمل و تعقل و معرفت او بگذرد، علم تاریخ شکل می‌گیرد. بنابراین علم تاریخ، واقعیت جامعه پس از حضور در ذهن مورخ و تجزیه و تحلیل آن است.^۲

۲. فلسفه تاریخ («Filosophy of history»)

فهم علت و کشف چرایی رویدادها و تعریف آنان در بستر نظریه‌ها و قوانین تاریخی فلسفه تاریخ نامیده می‌شود. به طور خاص، فلسفه تاریخ شامل تعمق فلسفی درباره جریان رویدادهای تاریخی و ماهیت و روشهای شرح و توصیف آنهاست.^۳

۳. تاریخ‌نگاری (historiography)

تاریخ‌نگاری، زنده کردن گذشته و انعکاس زبانی ادراک تاریخی هر مورخ از رابطه او با جامعه و جهانی است که در آن زندگی می‌کند.^۴

به بیان دیگر، تاریخ‌نگاری فرایند تعامل تاریخ به عنوان مفهوم مستقل و خارج از ذهن مورخ، با اندیشه و ذهن و معرفت تاریخی مورخ است. وقتی تاریخ گذشته به عنوان واقعیتی مستقل از ذهن انسان توسط انسانهایی با ذهنیت مکانی و زمانی خاص نوشته می‌شود و با انسانهای پس از خود حرف می‌زند، عمل تاریخ‌نگاری رخ داده است. در تاریخ‌نگاری از ابعاد

۱. استنفورد، ۲۰-۲۱؛ پایلین، ۱۹.

۲. حضرتی، ۱۳-۱۴؛ توین بی، ۲۵-۲۷.

۳. احمدی، ۶۸-۷۲.

۴. حضرتی، به نقل از آقاجری، ۷۷.

هستی‌شناسی، انسان‌شناسی و چیستی تاریخ از دیدگاه مورخ سخن گفته می‌شود.^۱ در واقع تاریخ‌نگاری تلاشی برای فهم اندیشه‌های تاریخی مورخ است که در نوشته‌های تاریخی او، به شکل روشن و ملموس یا تلویحی و نامحسوس آمده‌اند.^۲ از سوی دیگر تاریخ‌نگاری دارای معیارهای توجیه عقلانی است و درصدد نشان دادن هویت، باورها و کردارهای گروه‌های اجتماعی، نهادها، ملت‌ها و چگونگی رفتار آنان در گذشته و روند حرکت رو به رشد یا انحطاط آنان در فرایند زمان است.^۳ به طور خلاصه تاریخ‌نگاری علاوه بر ثبت رویدادها شامل تحلیل و سنجش آنها، کشف علت و تعمیم نتایج آنها، قیاس موقعیت‌ها و درک نقش و کنش افراد و گروه‌ها در فرایند مادی و غیرمادی تاریخ با اتکا به نظریه‌های رایج در علوم انسانی و طبیعی و فلسفی است.^۴

فلسفه تاریخ‌نگاری در درجه اول توصیف منطقی، عقلانی و معرفت‌شناسی نوشته‌های مورخان و کوشش برای کشف معنا و مفهوم و سیر کلی رویدادها و ماهیت آنان است.^۵ باید پرسید که تصور تاریخ‌نگاران از کارشان چه بوده و آن را چرا و چگونه و با چه روش انجام داده و آیا توجیه‌پذیر است.^۶ بیان و پردازش این مفاهیم حول محور منابع تاریخ‌نگاری هر دوره مکتب تاریخ‌نگاری نامیده می‌شود.^۷

هر چند تاریخ‌نگاری تا حدودی عناصری از تاریخ، علم تاریخ و فلسفه تاریخ را در چارچوب تحدیده شده زمانی و مکانی در بر می‌گیرد ولی باید دانست که تاریخ‌نگاری هر دوره علمی مستقل و به مثابه یک معرفت تاریخی و همانند کلام، فلسفه، فقه و اندیشه دینی آن دوره است.^۸

۱. آدام، ۱۳-۱۴ و ۵۲.

۲. اسماعیلی، ۲۱۹-۲۲۰.

۳. مکالا، ۳۱۳-۳۱۵.

۴. احمدی، ۶۸.

۵. پل ادواردز، ۳.

۶. بورلی، ۲۷.

۷. آرام، ۱۴.

۸. نصرتی، به نقل از آقاجری، ۷۸.

با وجود این در محافل غیر آکادمیک و غیر تخصصی، تاریخ‌نگاری گاه با اصطلاحات دیگری مترادف پنداشته شده که سبب پیدایش ابهام‌های زیادی می‌شود. از جمله این اصطلاحات عبارتند از:

۱. تاریخ‌نویسی (writing history) به کسی که کار تاریخ‌نویسی انجام می‌دهد، تاریخ‌نویس (historian)، تاریخ‌نگار را (historiographer) می‌نامند^۱ تاریخ‌نویسی یعنی گزارش‌گیری و واقع‌نگاری^۲. وقایع‌نگار، دغدغه‌ای جز روایت واقع‌ه ندارد و اثبات قطعیت یا عدم قطعیت واقع‌ه از اهداف او نیست. اما تاریخ‌نگار با علم پیشینی وارد تاریخ شده و برخلاف تاریخ‌نویس، که همانند گزارشگر و خبرنگار است، در درون علم تاریخ قرار دارد^۳ به همین قیاس، منابع تاریخی (historical sources) با منابع تاریخ‌نگاری (historiographical sources) تفاوت دارند. منابع تاریخی به هر گونه گزارشی از شواهد تاریخی مانند نوشته، کتیبه، حجاری و ... که حاوی اطلاعاتی درباره گذشته انسان است، گفته می‌شود. در حالی که منابع تاریخ‌نگاری صرفاً تاریخ‌هایی است که توسط مورخان نوشته شده اند^۴. منابع تاریخ‌نگاری همیشه با اندیشه و معرفت پیشینی خاصی توسط مورخ نوشته می‌شوند و علم تاریخ‌نگاری، نحوه تعامل اندیشه پیشینی مورخ با واقعیت‌های تاریخی و خروجی آن یعنی منبع تاریخی است^۵. البته باید بر این نکته تأکید کرد که استفاده مورخ از منابع بیشتر رشته‌های علوم انسانی از جمله جامعه‌شناسی به معنای نفی استقلال تاریخ نیست^۶.

۲. تاریخ‌نگری (historical perspective)

تاریخ‌نگری یعنی نحوه نگرش مورخان به تاریخ در ساحت‌های فلسفه نظری تاریخ و فلسفه علم تاریخ. به عبارت دیگر بحث تاریخ‌نگری در ذیل مباحث فلسفه تاریخ و جامعه‌شناسی و

۱. احمدی، ۸.

۲. حضرتی، ۸۴-۸۵.

۳. حضرتی و برومند، ۴۰-۴۳.

۴. حضرتی، ۷۷؛ آرام، ۵۲.

۵. آرام، ۵۲.

۶. دالتون، ۸.

بیشتر ناظر به رویکردها، نگرش‌ها و زمینه‌ها و مباحث نظری و روشی است اما تاریخ‌نگاری بیشتر معطوف به واقعیت‌های بیرونی و رخداد‌های تاریخی است.^۱

۳. تاریخ‌نگاری (historicism) که به تاریخ باوری هم معنی شده، یعنی نسبت تاریخی و این که هر رخداد تاریخی محصول زمان و مکان و شرایط خاصی است که تکرار نمی‌شود.^۲ تاریخ‌نگاری عبارت از این عقیده است که فهم مناسب ماهیت هر چیز و ارزیابی مناسب از ارزش آن مستلزم بررسی دقیق جایگاه آن و نقشی است که در فرایند تکامل ایفا می‌کند.^۳ تاریخ‌نگرایان به شیوه‌ای ایده آلیستی ذهن مورخ را مانند یک صافی می‌دانستند که در گزینش و روایت تاریخ دخالت می‌کرد.^۴

پوپر در کتاب فقر تاریخ‌نگاری، (historicism) را نقد کرده و نامعتبر می‌داند.^۵

۴. تاریخ‌شناسی (historiography): این اصطلاح همانند روانشناسی و جامعه‌شناسی و ... ناظر به شناساندن تاریخ به دوستدارانش است.

۵. تاریخ پژوهی (study of history): پژوهش درباره تاریخ است که با روش تاریخی و غیره انجام گرفته و درس‌هایی با عنوان روش تحقیق در تاریخ و روش‌شناسی مقدمه انجام آن است.

با توجه به این تفکیک‌ها مشخص شد که تاریخ‌نگاری (historiography) جایگاه تعریف شده و مشخصی در مباحث تاریخی دارد و باید به حدود و ثغور آن توجه کرد. این علم در اروپا، تاریخ مشخصی دارد؛ تا آنجایی که یکی از شاخه‌های تاریخ‌نگاری، تاریخ تاریخ‌نگاری یا تاریخ‌نگاری تاریخی است که شیوه‌های نگارش تاریخ و دوره بندی‌های موضوعی آن را از زمان هردوت به این سو دنبال می‌کند^۶ این علم، از تاریخ‌نگاری کلاسیک یونان باستان در

۱. حضرتی، برومند، ۶۴A-۸۲ و ۱۵۸-۱۶۱.

۲. احمدی، ۱۰۵.

۳. نوذری، ۴۸۷.

۴. حضرتی و برومند، ۶۹.

۵. پوپر، ۲۰-۱.

۶. استنفورد، ۲۶.

سده پنجم پیش از میلاد آغاز شده، و طی یک پروسه و فرایندی مشخص از یونان، به تاریخنگاری رومی، تاریخنگاری اولیه مسیحی، تاریخنگاری در قرون وسطی، تاریخنگاری بیزانسی، تاریخنگاری ابتدای قرون جدید، تاریخنگاری عصر روشنگری و تاریخنگاری مدرن در سده‌های نوزدهم و بیستم رسیده است.^۱ گاه این دوران در ذیل دو دوره تاریخنگاری کلاسیک و پیشامدرن و تاریخنگاری مدرن تقسیم شده است.^۲ انقلاب فرانسه نقطه افتراق این دو تاریخنگاری است. زیرا پیش از «انقلاب تاریخنگاری فرانسه»، وجه مسلط تاریخ، روایت رخداد‌های سیاسی و نظامی بود ولی پس از آن انسان و مردم در کانون تاریخ قرار گرفت.^۳ البته در شرق باستان هم تقریباً اندکی پس از یونان، تاریخنگاری آغاز شد. برخی‌ها، پیشینه تاریخنگاری چینی را به قرن ششم پیش از میلاد مسیح رسانده‌اند.^۴

ظاهراً تاریخنگاری برای ایرانیان پیش از اسلام چندان اهمیتی نداشته و نمی‌توان از سنت تاریخنگاری باستانی ایرانی سخن گفت. به جای آن منابع تاریخی زیادی شامل کتیبه‌ها، گل‌نوشته‌ها و خداینامه‌ها وجود دارند^۵ که می‌توان برای بازسازی تاریخ آن دوره از آنها استفاده کرد. در میان اعراب پیش از اسلام منابع مکتوب تاریخنگاری وجود نداشت و تاریخ آنان در قالب روزهای قهرمانان یا ایام العرب و علم‌انساب یا شجره‌نویسی تعریف می‌شد، که بیشتر صبغه شفاهی داشت.^۶ سنت تاریخنگاری در میان اعراب با ظهور اسلام، به تدریج ایجاد شد. تاریخ‌های دو قرن اول هجری بیشتر در قالب سیره، طبقات، فتوح و مغازی نوشته شده و زمینه‌ساز پیدایش مکتب تاریخنگاری اسلامی در قرن سوم شد.^۷

در ذیل هر کدام از این دوره بندی‌ها، تقسیم‌بندی جدیدی، از تاریخنگاری وجود دارد مثلاً

۱. همیلتون، فرایند و ... ۱۰-۶۴.

۲. حضرتی، ۹۰.

۳. برک، ۱۷.

۴. آرام، ۵۹.

۵. میثمی، ۱۱.

۶. لمیتون، ۱۳-۱۴.

۷. آژند، ۸-۱۱؛ سجادی و عالم‌زاده، ۲۳-۲۵.

۸. رابینسن، ۴۸، ۶۰-۷۱ و ۹۳ و ۱۱۵؛ آرام، ۳۱.

در ذیل تاریخ‌نگاری کلاسیک می‌توان از تاریخ‌نگاری دینی، تاریخ‌نگاری یهودی، اسلامی، مسیحی و ... و در دوران مدرن از تاریخ‌نگاری مارکسیستی، بورژوازی و تاریخ‌نگاری طبقاتی سخن گفت.^۱ در این اواخر، تاریخ‌نگاری فرهنگی، تاریخ‌نگاری اجتماعی، تاریخ‌نگاری اقتصادی، تاریخ‌نگاری زنان و ... در ذیل گفتمان تاریخ‌نگاری مدرن مطرح شده‌اند.^۲ البته گاه خرده‌گفتمان‌هایی هم بوده‌اند که خیلی به اصول بنیادین و محوری گفتمان عام و مسلط، وفادار نبوده‌اند.^۳

پس از تعریف و تحدید مفاهیم، حال نوبت به طرح این پرسش رسیده که منظور از تاریخ‌نگاری کردی (Kurdish historiography) چیست؟ با توجه به روشن بودن مفهوم تاریخ‌نگاری برای پاسخ به این پرسش، باید ابتدا مفهوم «کردی» را تعریف و تحدید نمود. بسته به این که منظور نویسنده از «کردی» چه باشد پاسخ سؤال متفاوت خواهد بود.

۱. کردی به مثابه زبان

اگر پسوند «کردی» اشاره به زبان تاریخ‌نگاری داشته و همانند تاریخ‌نگاری فارسی، عربی و ترکی تعریف شود باید گفت که با وجود پیدایش تاریخ‌نگاری عربی زبان در قرن سوم هجری قمری و تاریخ‌نگاری فارسی زبان در قرن پنجم هجری و تاریخ‌نگاری ترک زبان اندکی پس از آن، تاریخ‌نگاری کردی زبان تا یکی دو قرن پیش وجود نداشته است. یعنی نه تنها هیچ مورخ کردی، منبعی تاریخ‌نگارانه به زبان کردی درباره مردم کُرد ننوشته، بلکه درباره هیچ قوم و ملت دیگری هم به زبان کردی ننوشته است. به نظر می‌رسد نخستین فرد در این زمینه ملا محمود بایزیدی (د. ۱۲۸۴ ق/ ۱۸۶۷ م) است که شرفنامه بدلیسی را به زبان کردی برگردانده است. البته کُردی‌نویسی در حوزه شعر چند قرن زودتر از تاریخ‌نگاری صورت گرفته که ذکر دلایل آن، خارج از حیطه این نوشتار است. با وجود این، ذکر یک نکته لازم است که در تاریخ‌نگاری زبان محور، وجوه زبانی نوشتار برجسته شده و از مفهوم علمی تاریخ‌نگاری غفلت

۱. حضرتی، ۹۰؛ اسکاچپول ۳۱۹-۳۲۰.

۲. اسماعیلی، ۸۴۵/۲-۸۴۶.

۳. آرام، ۱۴.